

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۸ نومبر ۲۰۱۵

بافتِ قالین

روی متن باطن خویش، خویشتن را می جُستم؛ در گراف این همه حروف بی مدد، که گوئی برای هیچ آمده اند، جزع داشتم؛ حروفی که هرچند با من راه زدند به سرمنزل هدفمند پیروزم نبردند.

غرق بودم، در ژرفای خیالات و همانک و شنیدن صدای خراش ناخنهای نسیم پشت شیشه ها، آری! غرق بودم؛ چنان که از محدوده پندارها تا دره مدهوشی سوق گشتم.

گاه در بافتهای پیچیده قالین چنان می پیچیدم که فراموش می کردم جذبه لبخندم با گردهای وهم و هراس لحظه های به رکود رفته عمر دگرگونه شده است و من هنوز بیخبر از پایان راه هستم.

راستی، این بافتهای جادویی قالین با مهارت دست و اندیشه کدام صنعتگر هنرآفرین و ذهن ژرفنگر زیب و زینت خانه من گشته است؟ چرا گاهی تصور این را ننموده بودم؟

من در این همه الوان و زیبایی بخیه هزاران درد و حسرت و نامرادیها را می بینم، که با گامهای افراد بی اعتناء تقطیع میشوند و تکثیر میکنند.

مانند آن گامهایی که گزینه های مهر و القم را پایمال کردند و مرا در قلمرو فراموشی وا گذاشتند و در سایه های سرد تنهایی رها کردند.

آه! از بند این همه پرسش و پندارها چه گونه خواهم جست؟ چه گونه از تنگنای اضطراب و آشفته گی به نردبان زرافشان فلک راه جویم و از خویش رها گردم...؟

باز نقشهای گوناگون قالین آمیخته با حکایت‌های رنج و سرگذشت سرانگشتان زخمی و افسانه
روانهای خسته روی شاخه های ذهنم می لغزد و گره مُحکمی از بغض گلویم رها می گردد
و در پرتو عواطفم بالنده می گردم.

(ناهید "غزل" غنی زاده - ۲۵ نومبر ۲۰۱۵)